

پایمال کردن قانون اساسی

تصمیم وزارت کشور تجاوز به حقوق مردم است

در صفحه سوم

مردم به هیچکس بدهکار نیستند در ماندگی قدر تمداران

فضای کشور انباشته از تلخی و ناگواری است

درگیری سیاسی و تفاوت نظرها و برداشتها، در هر جامعه آزاد، چیزی است به جا و درست و قابل پیش بینی. وجود تفاوت هائی از این گونه نشانه اندیشیدن و آزاد اندیشیدن است و برخورد اندیشه ها و روش های سیاسی و برداشتهای اجتماعی، نه تنها جای نگرانی ندارد بلکه موجب خرسندی هم می باشد از چنین برخوردهائی است که جرعه های فکر صواب و راه صواب جستن می کند، در چنین برخوردهائی است که مردم فرصت می یابند، اندیشه

گرانی بیداد میکند بن بست های تازه در اقتصاد کشور

همه جا گفتگو از گرانی، کمبود یا نایابی فرآورده های غذایی و کالاهای مصرفی می باشد، مردم برای تهیه نیازهای خود ساعت های زیادی را در صف های دراز می گذرانند، کوپن بازی و جیره بندی دشواری ها را در شرایط کنونی حل نکرده است. اکثریت مردم قدرت خرید از بازارهای سیاه را که کالاهای مورد نیاز را به چندین برابر قیمت واقعی عرضه می کند، بقیه در صفحه سوم

واپس گرایی فرهنگی ره آورد انحصار گری است خطر ایستائی علمی و فنی و هنری

منطقی و سالم پیدا می کنند و در حرکت کمال پذیرانه قرار می گیرند. دریافت های انسان در جامعه و سازندگی های گوناگون آن بگونه دو حرکت بنیاد مند زمانی تحقق می یابند که انسان، از فرهنگ جامعه خود (روان اجتماعی و قدرت کار ساز انسجام اجتماعی) در تمام وجه های آن به طور نسبی آگاهی داشته باشد و عنصرهای وابسته به آن وجه خاص را بشناسد و آنگاه در آن ها پویائی بردوام بوجود آورد و جلوگیری گسست ها گردد. حرکت های فرهنگی، در صورت بارور بودن، پویائی درون جامعه ای (درون پویائی) دارند، اما به علت های سیاسی و اجتماعی، برخی از برخوردهای منطقه ای و قاره ای و

آینده کامبوج تلاشی تازه برای استقلال

گزارش های رسیده از آسیای جنوب شرقی حاکی از جنبش استقلال طلبانه نو در کامبوج برای پایان دادن به استیلای ویتنام می باشد. کامبوج که پس از رهائی از

انگیزه های صدام حسین برای صلح جوئی! «شاخه زیتون» در میان پنجه های خونین!؟

از مدتی پیش حکومت نژاد گرای بعث عراق، جنگ تبلیغاتی گسترده ای را به راه انداخته است و میکوشد تا چنین وانمود سازد که «صلح جو» و هوادار برقراری پیوندهای برادرانه میان ملت ایران و مردم عراق می باشد.

وازلحاظ رشد ملی و اعتقادات مذهبی در چنان اختلاف گسترده ای هستند که هرگز پایگاه اجتماعی استواری برای هیچ حکومتی نمیتوانند باشند تاچه رسد به یک دولت نژاد گرای باشیوهیکه تازانه. هنگامیکه در نتیجه کودتای بقیه در صفحه هفتم

نقاب فریبنده ای بپوشاند و هم کاستی هائی را که از لحاظ نظامی با آن روبرو شده بود با تبلیغات گمراه کننده جبران سازد. در حقیقت حکومت نژاد گرای بعث عراق میکوشد، دستیابی به هدف هائی را که به خاطر آنها جنگ را شروع کرده است، از راه حرکت های سیاسی آسانتر سازد و به عبور دیگر این تجاوزگر دژخو در جنگ افروزی و صلح طلبی خواست یگانه ای دارد. نظام حاکم بر عراق تنها بر سرشت خود و بخاطر ساخت اجتماعی ویژه ای که دارد، ناگزیر از به راه انداختن جنگ بود و اکنون هم بر پایه همان علتها ناگزیر از صلح جوئی است. جمعیت سیزده میلیونی عراق، ناهمگونی ژرف دارد

نیاز تاریخی و اجتماعی به دگرگونی بنیادی

فرهنگ هر جامعه ای در پیوند نیروی انسانی با وضع طبیعی و جغرافیائی و سپس برخوردهای اجتماعی و سیاسی شکل می گیرد و در روند تاریخی میراثها و انباشتهای ارزشی و اندیشه ای و کرداری ملت را به وجود می آورد. دگرگونی های انسانی در همه زمینه ها چه فردی و چه جمعی، در رابطه با فرهنگ جامعه ها، روال

«پیام»

من از زبان برگ
من از زبان جاری سبز
درختها
پرواز ابر
نجوای چشمه سار
من از زبان رویش
نرگس به دشتها
می خوانم این پیام
«نوروز» می رسد
بالاله های سرخ
گلریز و گل فشان
می بارد آسمان
می روید از زمین
گلیونه های مهر
دشمن تپد به خون
سرکوب می شود
اهریمن نگون
بربال بادها
پرواز می کنیم
بانای رودها
آواز می دهیم
جاوید زندگی
آزادگی به پا
سرسبز سربلند
ایران مابه جا
۱۳۵۹/۱۲/۲۴
پروانه

در انتظار چه نشسته اید؟ بازی با سرنوشت کشور کافی است!!

روزنامه کیهان در شماره پنجشنبه بیست و یکم اسفندماه از زبان نخست وزیر چنین آورده است «... و سپس چون احتمال تصویب بودجه قبل از رسیدن به سال جدید ضعیف است، یک لایحه ای برای هزینه های جاری و عمرانی ماههای فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۶۰ از تصویب گذشت...»
نخست وزیر نگفته است که چرا «احتمال تصویب بودجه، قبل از رسیدن به سال جدید ضعیف است». و روشن نکرده است که ارگانهای اجرائی کشور هنوز نتوانسته اند بودجه را برای تسلیم به قوه مقننه آماده کنند و از چگونگی بودجه و رقمهای دریافت و پرداخت آن نیز سخنی به میان نیاورده است.
تنظیم و تهیه بودجه و تسلیم آن به قوه مقننه، یکی از اصلی ترین وظیفه های دولت است که چگونگی کار دستگاههای اجرائی کشور در آن بازتاب می یابد. دولتی که نتوانسته باشد بودجه را تهیه و تنظیم کند، چگونه میتواند نظام اقتصادی و اداری کشور را به حرکت و ثمر آفرینی در آورد.
دولتی که از درآمد و هزینه خود آگاهی قطعی و روشن ندارد، چگونه میتواند برنامه عمرانی تهیه و اجرا کند.
اداره کردن کشور به معین داشتن درآمد و هزینه آن وابسته است و دولت باید چشمه های درآمد کشور را بشناسد و روند هزینه ها را مشخص سازد ولی دیده میشود که به اجرای این وظیفه ساده و عادی خود قادر نبوده است.
دولت، که بانگ بلند ادعاهایش، فضای کشور را انباشته از فراهم آوردن صورت درآمد و هزینه خود، عاجز مانده و به ناچار «یک لایحه ای برای هزینه های جاری و عمرانی ماههای فروردین و اردیبهشت» از تصویب گذرانیده است.
نخست وزیر به هنگام آگاهی دادن از این روند ناگوار، کلمه ها و عبارتهای ابهام آمیز به کار می برد، تا شاید درماندگی دولت خود را در تهیه و عرضه بودجه کشور پنهان نگاه دارد.
روش دولت در تهیه و تصویب لایحه ای برای هزینه های جاری و عمرانی ماههای فروردین و اردیبهشت با قانون اساسی سازگاری ندارد زیرا در اصل پنجاه و دوم با روشنی اعلام شده است که «بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر میشود از طرف دولت بقیه در صفحه دوم

جنگ را با همه نیر و تاپیر و زنی نهائی دنبال کنید

در انتظار چه نشسته‌اید؟!

تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورایی ملی تسلیم می‌گردد...»
بنابراین حکم، دولت می‌باید «بودجه سالانه کل کشور را» تهیه و ارائه کند، نه هزینه‌های جاری و عمرانی دو ماهه فرودین و اردیبهشت را که تازه رقم‌های مربوط به آن را هم اعلام نمی‌دارند.
آنچه تصویب کرده‌اند، مگر برای اجراء در این کشور نیست و مگر مردم نباید از آنچه بر خزانه کشور می‌گذرد آگاه باشند.

چرا، موضوعی به این اندازه پر اهمیت را این چنین فرعی جلوه میدهند و به گونه‌ی یک رویداد ساده از آن در می‌گذرند.

دولت می‌باید در ماندگی خود را در تهیه به هنگام بودجه کل کشور به روشنی بپذیرد و اعلام کند و نباید بی‌درنگ رقم‌های بودجه را به آگاهی مردم برساند.

آیا دولت از فاجعه‌ای که بر اقتصاد کشور می‌رود و از گرانی و بیکاری و ریزش شدید کشاورزی و صنعت کشور آگاهی دارد و آیا بر این دردهای بی‌شمار چاره‌ای یافته است و آیا این چاره‌جویی‌ها نباید در بودجه کشور انعکاس داشته باشد.

آیا بودجه کشور را دارائی شخصی خود می‌شناسند که با آن بدین سان رفتار می‌کنند و آیا همان اصول «مکتبی» که درباره جاسوسان آمریکائی به کار بستند، در مورد بودجه کشور هم می‌خواهند روا دارند.

همراه با بودجه کشور، می‌باید گزارشی از عملکرد گذشته ارائه شود و دولت، باید به روشنی چگونگی کارهای خود را عرضه دارد.

باید درآمد و هزینه دولت را با ذکر زمینه‌ها و رقم‌ها اعلام دارند و میزان وام‌هایی را که گرفته‌اند بی‌پرده به آگاهی مردم برسانند.

باید بگویند برای غلبه بر دردهائی که تا زرفسای استخوان مردم را می‌سوزاند چه راهی اندیشیده‌اند و باید بگویند برای سرکوب کردن دیو افسار گسیخته تورم چه چاره‌ای در ذهن دارند و باید هر راه و هر چاره در بودجه کشور به میان آورند.

بدین سان بودجه یک سند اساسی است که همه جریانهای حیاتی کشور را تعیین میکند و اگر نتوانستیم بودجه کشور را تهیه و عرضه کنیم، یعنی قادر به اداره کشور نیستیم. در متن پریشانی‌هایی که سرپای کشور را در خود فرو برده فاجعه بزرگ جنگ قرار دارد که پیش‌برود و پیروزی در آن در گرو فراهم داشتن ساز و برگ جنگی میباشد.

باید به روشنی تعیین گردد که برای فراهم آوردن سازوبرگ جنگی چه کرد باید و چه می‌خواهید بکنید. آیا نمی‌شنوید و خبر نمی‌شوید که دشمن فرو مایه چه ویرانی‌ها بر کشور می‌ریزد و اگر نمی‌توانید، سازوبرگ جنگ را فراهم آورید دیگر به انتظار چه نشسته‌اید آیا به انتظار مانده‌اید که مزدوران ددمنش صدام حسین، بخشهای بیشتری از ایران را به اشغال در آورند.

چرا نمی‌گذارید مردم در جریان رویدادهای کشور خود قرار گیرند تا شاید خودشان بتوانند راهی برای بیرون شدن از اینهمه پریشانی و تنگی بیابند.

آیا هنوز هم به درماندگی خود آگاه نشده‌اید و نمی‌خواهید به انحصارگری خویش پایان دهید و کرسی‌هایی را که به ناحق در اختیار گرفته‌اید رها کنید. با ردیف کردن چند واژه میان تهی و فرسوده و باریدن تهمت و افترا بر مردم دلسوز دیگر نمی‌توانید درماندگی خود را نهان دارید.

راز شما از پرده برون افتاده است و در هر کوی و برزن سخن از پریشانی‌های فزون از حد و ناآگاهی و ناتوانی دست اندر کاران و درماندگی دولت است.

ره آورد دولت کنونی جز نابسامانی نبوده و بر مردم ایران فاجعه آفریده است و بسا هیچ چساق تکفیری هم نمی‌توان این فاجعه را نهان داشت.

شما، ای دولتمردان، مردم را به هیچ گرفتارید، به گونه‌ای رفتار می‌کنید که گویا این سرزمین میراث مطلق تان است.

شما در برابر بیگانه درماندگی بیش از اندازه نشان دادید ولی بر خودی درشتی میکنید. شما حرمت انقلاب را بازیچه دست خود ساختید و به ستیزه با ملت پرداختید.

شما، ای دولتمردان، بدانید که مردم از همه چیز آگاه شده‌اند و دیگر این نارواییها را بر شما نخواهند بخشید، پیش از آنکه موج سیاه خشم مردم به هیجان آمده شما را فرو کوید، دست از انحصارگری بردارید و فرصت دهید تا آنان که می‌دانند و میتوانند به درمان این دردها و پریشانی‌ها بپردازند و کشور را از نابسامانی برهاند و ارتش بیگانه را سرکوب کنند و بخشهای اشغالی میهن را از چنگال دشمن آزاد سازند و انقلاب را از گزند نیروهای اهریمنی بدور دارند.

واپس گرائی فرهنگی راه آورد انحصارگری است

یقین است که جدول ارزش‌های انقلاب توسط «قدرت انحصارگر سیاسی» به نابودی کشیده شده و تا زمانی که اندیشه انحصارگری بنام «مکتب» در جامعه، حاکم باشد این «واپس‌گرائی» های بدفرجام ادامه خواهد داشت و تحول‌های

بی‌مرق احتمالی نیز در برابر جهش‌های علمی و فنی جامعه‌های پیشرفته هیچ دردی از دردهای فراوان جامعه ایرانی را درمان نخواهد کرد.

ملت ایران که انقلاب کرد برای استقلال، بی‌تردید آن را در خود بستندگی اجتماعی می‌داند ولی کاربردستان به علت بی‌اندیشگی و ناآگاهی و ناتوانی، شایستگی ساختن جامعه و رسیدن به مرحله خودبستگی را ندارند و به همین دلیل هرچه زمان می‌گذرد، جامعه وابسته‌تر به بیگانگان می‌گردد و این وابستگی در همه زمینه‌ها پیشرفت می‌کند.

مردم پاک نهاد ایران را اگر روزی صد بار بران دارند که فریاد بر آورند «مرگ بر امریکا» و هزار بار شعار دهند «نه غربی، نه شرقی»، تا زمانیکه جامعه به خودبستگی نرسد، ملت ایران، اسیر ابر قدرت‌ها است.

زمانی می‌توان در برابر سلطه‌گران بیگانه، ایستاد و تسلیم نشد که فرهنگ ملی پویا و زایا گردد و در آن پویائی و زایائی، بی‌نیازی از کانونهای برون مرزی چشمگیر شود.

شناخت و دریافت و نوآوری و سازندگی در گرو آزادی است که مکتبی‌های وابسته ساز، آن را از مردم سلب کرده‌اند ولی قطعی به نظر میرسد که مردم بپا خاسته ایران، که انقلاب کردند، زیر سلطه واپس‌گرایانه این گروهک انحصارگر باقی نخواهند ماند.

مردم ایران طی ماههای گذشته نشان داده‌اند تا زمانی که آزادی‌های انسانی بدست نیاید، نمی‌توانند درست فکر کنند، درست عمل نمایند و به سازندگی کشور مدد رسانند و روشن است که نبودن آزادی و نبودن حرکت سازنده تا چه اندازه به استقلال کشور آسیب می‌رساند.

بی‌شک، ملتی که انقلاب کرد و بی‌هیچ گفتگو به سلطه بیگانگان در کشور خود پایان داد، این توان را دارد که در درون میهن، کانون‌های انحصارگری را که در زمان حاضر چه بطور رسمی و وابسته به

بیگانگان باشند و چه نباشند، نابود سازد و با ایجاد زمینه‌های آزاد برای آفرینندگی، از هر نوع واپس‌گرائی جلوگیری نماید و جامعه را در مسیر پویائی فرهنگی قرار دهد که بی‌شک

استقلال واقعی ملی و تحقق عدالت راستین اسلامی در پیوند با آن می‌باشد.

و آنانکه دل سوخته‌ای در عشق میهن و مردم و انقلاب داشتند، خانه‌نشین گردیدند.

اندیشه‌ها از حرکت ایستاد، قلم‌ها از نوشتن بازماندند، سخن‌ها در گلو جای گرفت و همه آرزوها در دل‌ها خانه گزیدند.

روزنامه‌ها به نوعی «خودسانسوری» گرفتار شدند، حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی مورد یورش قرار گرفتند، به خواست حاکمان بی‌حکمت، چماقداران سازمان یافته، اجتماعهای مردم را پراکندند، و زنان و مردان کشور را زدند و کوفتند و گرفتند و گاه کشتند.

فرهنگ که اثر اندیشه و عمل انسان‌های رها شده است، با عملکردهای ضدانسانی در خط فرو ریختن قرار گرفت و نازائی دوباره بر آن چیره گردید.

این جنایت نشد مگر به علت انحصارگری کانون زورمدار سیاسی که حاکمیت بر همه جامعه را بر عهده گرفته است.

انحصارگران ضدفرهنگی، گمان می‌برند که حکومتشان همیشگی است و هر کس که چنین گمانی دارد یا نادان است یا غرضورزی می‌کند، چه

هیچ‌گاه هیچ نیروی سیاسی توان تداوم حکومتگری را ندارد مگر در پیوند با فرهنگ جامعه و

حقیقت گرفتن از آن و بی‌شک، هیات حاکمه بریده از فرهنگ که هم اکنون به صورت حاشیه‌ای در جامعه سامان نیافته کنونی

درآمده، به مرور حاشیه‌ای بر حاشیه خواهد شد و با این حرکت‌ها، بزودی در سراشیب سقوط، سر به نیستی خواهد سپرد.

اما آنچه دردناک و غیراسلامی است، از دست دادن زمان است چه گذشت این زمان‌های فضیلت‌سوز، هر لحظه‌ای جامعه را فرسنگ‌ها از کاروان اندیشه و

علم و فن و هنر دور می‌کند دیگر اینکه شور و التهاب ملی نقصان می‌پذیرد و جامعه به

حالت بی‌تفاوتی گرفتار می‌شود که این وضع خود، سازندگی‌ها را دشوارتر خواهد کرد. چنانکه هم‌اکنون ساختن جامعه دشوارتر از ماههای نخستین انقلاب

گردیده است و اگر وضع به همین نحو پیش برود، پس از چند سال، جامعه ایرانی چندین ده سال عقب‌تر از دوران سلطنت ساقط شده خواهد بود و سازندگی‌های سالهای آینده

خاصه در کارهای علمی و فنی و هنری، بسیار دشوارتر از امروز خواهد گردید.

گروه گروه کسانی که از میهن زیرسلطه گریخته بودند، با امیدهای فراوان به میهن رها شده بازگشتند و در آغوش ملت، همه توان‌های خود را در اختیار ساختن ایران آباد و سربلند نهادند.

این حالت به خود آمدن و در خود سازندگی کردن و سربلند کردن با افتخار بدنبال هرانقلابی به وجود می‌آید.

نهادهای کهن علمی و فنی و هنری، بازسازی می‌شوند و نهادهای جدید با درونمایه‌های انقلابی ایجاد می‌گردند و نیروهای خاموش انسانی بکار گرفته می‌شوند و نیروهای رمیده و خمود، جذب نهادهای جدید می‌گردند.

«ایستائی» پایان می‌یابد و حرکت آغاز می‌شود و سازندگی بعد انقلابی پیدا می‌کند و برغم خفقان حکومتی و سلطه‌های استعماری و بی‌هنجاری‌های گذشته، سرعت دگرگونی‌ها در رابطه با شوق و شور انقلابی بیش از هم‌وقت چشمگیر می‌شود.

در ایران انقلابی فقط ماههای نخستین، امید ملی برای بازسازی کشور در همه زمینه‌ها به وجود آمد و بسیار زود گروه حاکم بر جامعه با سودجویی از باورهای دینی و بخش‌های نهادی شده فرهنگ، بگونه یک قدرت انحصارگر و بظاهر درونی حرکت همه رکن‌های جامعه از جمله فرهنگ آن را زیر نظر گرفت و با اینکه ارزشهای تبلیغ شونده این قدرت نوبتاً در هیچ زمینه‌ای

نیاز تاریخی و اجتماعی به دگرگونی بنیادی

(اقتصادی و تولیدی و...،) توفیق بدست نیاورد اما به علت ناتوانی‌های فکری و علمی، فقط بر کلیت فرهنگ بطور نسبی

ایستای جامعه ضربت وارد کرد و در پیشروندگی نغتنها کوچکترین جنبشی به چشم نخورد بلکه

اندک‌اندک در بسیاری از زمینه‌های فرهنگی حالت «واپس‌گرائی» روایی یافت.

کوتاه سخن، آنچه پس از انقلاب به نام فرهنگ به صحنه آمد، نه در زمینه فکری و نه در زمینه عملی نشانی از پیشروندگی نداشت.

دانشگاهها و هنرسراها یکی پس از دیگری تعطیل شدند و بسیاری از دانشمندان و هنرمندان، فضا را آن‌سان تاریک

دیدند که جلای وطن کردند و رفتند و بناحق خود را در اختیار دستگاههای بیگانه نهادند.

بیشتر آن «غربت‌زدگانی» که با شور و شوق به ایران بازگشته بودند، دوباره راهی خارج شدند

درغیر این صورت عامل‌های فرهنگی بیگانه، چون عامل‌های ضدفرهنگ خودی، بگونه «قدرت» عمل میکنند و اگر مجموعه فرهنگ ملی نتواند در برابر آن پایداری نماید بی‌شک ساخت ترکیبی (تالیفی) جامعه درهم می‌ریزد و «سلطه» فرهنگی بوجود می‌آید.

استعمار غربیان و سلطه طلبی‌های امپریالیست‌ها در میهن ما، کلیت جامعه را در بر می‌گیرد و برای آسان‌سازی سیطره خود، ویرانگریهای فرهنگی و الفقای بسیاری از عنصرهای تخریبی فرهنگ خود را در مجموعه فرهنگی ایران لازم می‌دانست و از اینرو در دوره اخیر، جامعه ما نه «خود» ماند تا

چون گذشته‌های درخشان پویائی تاریخی، در دریافتها و سازندگی‌ها نوآوری بوجود آورد و نه با غنای فرهنگی ایران وضعی پیش آمد تا ایرانیان از همه میراث‌ها و انباشته‌های گذشته خود چشم‌پوشند و با تمهید غرب باوران وابسته از «مفز استخوان» اروپائی گردند.

«بام نهاد» (= سن تز)، تقابل فرهنگ ایران با امپریالیستها، زیرسلطه رفتن آن بود، بی‌آنکه گسست همیشگی در آن بوجود آید.

در آن شرایط بی‌بنیاد، نهادهای علمی و آموزشی کشور در همه سطح‌ها توانمندی و کارائی خود را از دست دادند و بی‌درونمایه‌های زاینده، در برخی شکل‌ها و شکل پذیریه‌ها، گسترده‌گی بوجود آمد، اما فرهنگ ایران پویا نگردید و اگر وضع نابسامان دوران سلطنت استبدادی سابق برقرار می‌ماند، «ایستائی» علمی و فنی و هنری شدت بیشتری نیز پیدا می‌کرد.

انقلاب اسلامی ملت ایران، علاوه بر علت‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی بی‌هیچ تردید در این بخش زندگی جامعه ریشه قوی داشت، یعنی فرهنگ زیر سلطه رفته برای بازیابی پویائی خود به حرکت در آمد و اسلام و باورهای دینی زبان راستین آن گردید.

انقلاب‌های ملی بر رویهم در زمان‌هایی ظهور می‌یابند که اصلاح و نو آوری‌های آرام و «گام به گام» کارائی خود را از دست می‌دهند و جامعه خود را نیازمند «دگرگونی بنیادی» می‌یابد.

ملت ایران این نیاز تاریخی و اجتماعی را با تمام وجود، حس می‌کرد و آمادگی این تغییر شگرف را بدست آورده بود و از این رو، انقلاب کرد تا همه زنجیرها را پاره کند و در فضای آزاد، بر بنیاد فرهنگ خودی به نو آوری و آفرینندگی بپردازد.

راستی در این است که پس از انقلاب همه مردم آزاد شده بویژه فرهنگوران جامعه (= دانشمندان و شاعران و نویسندگان و هنرمندان) خود را در مسیر شناخت و سازندگی جدید یافتند.

ارگان حزب ملت ایران

گرانی بیداد میکند

ندارند و احتکار هم بیداد میکند. سرمایه داران که خود در بسیاری از این بازیها نقش دارند از قدرت خرید بیشتر و بهتری بهره‌مند هستند، نوکیسه‌ها که به صدقه‌ی سر انقلاب به ثروت رسیده‌اند، گذشته‌های خود را فراموش کرده و تسنگدستی مردم را درک نمی‌کنند و دولت هم از چاره سازی ناتوان مانده و وضع، روز به روز وخامت بیشتری می‌یابد. مردم با همه گرفتاری‌ها نمی‌دانند که سیاست اقتصادی کشور بر چه پایه‌ای استوار است، چرا جلوی احتکار کنندگان و دلالان گرفته نمی‌شود، چرا تدبیرهای پیش بینی شده در قانون اساسی اجرا نمی‌گردد. قانون اساسی در اصل چهل و چهار خود به صراحت اعلام میدارد «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاون و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است، بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانک داری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه‌های آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمائی، کشتیرانی، راه آهن و مانند اینهاست که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.»

با وجود روشن شدن وضعی که «بازرگانی خارجی» باید به خود بگیرد تاکنون قدم مؤثری در جهت اجرای این اصل برداشته نشده و فقط به ارائه ط

ناقصی به کمیسیون بازرگانی مجلس شورا اکتفا گردیده است و نابسامانی در واردات سبب گردیده تا نارسائی در تولیدات داخلی به مراتب تشدید یابد. صنایع نوپا که بیشتر آن در وابستگی و بر روالی ناسالم پایه‌گذاری شده بود و پس از انقلاب بتدریج تا هشتادوپنج درصد آن در دست دولت و نهادهای انقلابی قرار گرفت

گذشته از سایر نقص‌ها با نداشتن مواد اولیه روبرو شده است. در طول دوسالی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد دولت بخصوص وزارت صنایع و معادن هنوز نتوانسته است با یک آمارگیری دقیق وضع صنایع موجود را مشخص کند که میزان تولید در چه سطحی است و ظرفیت تولید تا به کجاست، نیاز به نیروی انسانی چه اندازه است و در حال حاضر شمار کارگرانی که در صنایع کار میکنند چیست، آیا صنایع تا چه میزانی از اعتبارات دولتی استفاده کرده‌اند و تا چه حد دیگر نیاز به اعتبارات جدید دارند و چگونه می‌توان با برنامه‌ریزی درست و سنجیده تولید را افزایش داد و چگونه می‌توان مواد اولیه مورد نیاز را تأمین کرد و در نتیجه صنایع را کد و یا تعطیل گردیده و کاهش

پایمال کردن قانون اساسی

و در انحصار درآمدن رسانه‌های گروهی راه‌پیمائی و گردهمائی، سالمترین شیوه‌های ابراز نظر مردم است که اگر این فرصت هم گرفته شود، گام تازهای در برقراری اختناق تلقی میگردد. ممکن است گفته شود، به لحاظ پدید آمدن شرایط خاص و غیرعادی، از گردهمائی و راه‌پیمائی مردم جلوگیری شده است.

هر مقدار و هر کدام از اصول قانون اساسی را نادیده نگارند و بدین ترتیب همه تلاش‌ها و جان‌پزیهائی که در راه پدید آمدن این قانون اساسی صورت گرفته، به یک باره بره‌در می‌رود.

تنها عاملی که می‌تواند به عنوان دلیل غیر عادی شدن وضع مورد استناد قرار گیرد، گفتگوها و کشمکش‌های دولتمردان با

یکدیگر میباشد که به‌چوچه تازگی ندارد و ماهها میگذرد که این وضع ادامه داشته است.

آنچه به این گفتگو و کشمکشها روندی ویژه بخشیده درگیری است که در چهاردهم اسفند در گردهم‌آئی دانشگاه تهران روی داد آنهم چندین تازه نیست و از مدت‌ها پیش، گروهی

اخلاقگر برگرد هم‌آئی‌های مردم در اینجا و آنجا حمله می‌برند و نظم را بهم میریزند. در چنین حالی، ممنوع داشتن راه‌پیمائی‌ها و گردهم‌آئی‌ها، علاج واقعه نیست، بلکه حکمرانان می‌باید

بسیار زودتر از اینها به رفع این دشواری کوشیده باشند و می‌بایست آنقدر به این روند ناشایست فرصت نمی‌دادند تا بدین پایه برسد و سبب سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی مردم و نقض قانون اساسی گردد.

نکته دیگر آن که، گردهم‌آئی‌های مردم در شرایط خاص و حتی غیر عادی بیشتر مورد نیاز است، تا شرایط عادی به هنگام پدید آمدن گفتگوها و کشمکش‌های تند است که می‌باید از نظرخواست همگانی آگاهی یافت و براساس آن عمل کرد تا هیچکس نتواند به نام مردم، نظر و سلیقه شخصی خود را اعمال کند.

بنابر آنچه گذشت، به لحاظ حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و به لحاظ فرصت دادن به مردم برای ابراز نظر و خواست خود و به لحاظ رعایت حرمت قانون اساسی و به لحاظ سالم داشتن ساخت سیاسی کشور لازم است که بی‌درنگ تصمیم وزارت کشور باطل شود و آزادی گردهم‌آئی و راه‌پیمائی‌های مردم اعلام گردد.

در هم شکستن حرمت قانون اساسی، مانند بسیاری از رویه‌های ناگوار، یکباره صورت نمی‌پذیرد، بلکه به تدریج و در طول زمان، هر حکومت قسمتی از آن را درهم می‌شکند، تا سرانجام پس از چندی، دیگر قانون اساسی به صورت

کلمه‌هایی بی‌اثر بر صفحه کاغذ باقی می‌ماند و حکمرانان هم هرگونه که بخواهند تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند.

بدین ترتیب وزارت کشور، گشاینده راهی است که سرانجام آن بسیار دردناک و تلخ است.

هیچ روشن نمی‌باشد که وزارت کشور چرا به چنین راهی گام نهاده، زیرا از همه نشانه‌ها چنین برمی‌آید که این

نمایندگان، هرگز در جهت خلاف دولت گام بر نمی‌دارند و اگر دولت لایحه محدود ساختن آزادی‌های مردم را به مجلس می‌برد، بی‌گمان با سرعت به تصویب میرسد.

اگر چنین می‌کردند، دست کم حرمت ظاهری قانون اساسی را حفظ کرده بودند ولی از این تصمیم وزارت کشور چنین بر می‌آید که حکمرانان کنونی، حتی در مقام حفظ ظاهر قانون اساسی هم نیستند.

پرسش دیگری که از تصمیم وزارت کشور در ذهن برانگیخته می‌شود، آن است که آیا تصمیم محدود ساختن آزادی‌های مردم، تنها از سوی وزارت کشور اتخاذ گردیده یا به تأیید و تصویب هیئت وزیران هم رسیده است.

تصمیم وزارت کشور صرف نظر از این ایراد شکلی که بر آن وارد است از لحاظ محتوی هم به شدت جای اعتراض دارد زیرا در شرایط کنونی کشور، نیاز قطعی هست که مردم نسبت به دشواری‌ها و درگیری‌های گوناگون، نظر خود را ابراز دارند و با اشغال مرکزهای حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی و حتی اتحادیه‌های صنفی

از آزادی‌ها ضرور می‌سازد، باید مراتب به آگاهی نمایندگان ملت برسد و بر اساس تصویب ایشان عمل شود.

ولی وزارت کشور بی‌آنکه تشریفات مندرج در اصل هفتاد و نهم قانون اساسی را رعایت کرده باشد، در مقام محدود ساختن برخی از آزادی‌ها بر آمده و طی اطلاعیه‌ای اعلام داشته است که «..... در مقابل کسانی که سعی دارند با ایجاد اجتماعات و دست زدن به تظاهرات و اغتشاشات ملت ما را به انحطاط بکشانند وارد عمل شده و متخلفین را به دادگاههای صالحه معرفی خواهند کرد.

در خاتمه وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌نماید که هرگونه راه‌پیمائی و تظاهرات و اجتماعات را در این لحظات غیرقانونی اعلام کرده و عوامل محرک را دشمنان اسلام و امت اسلامی ایران قلمداد می‌نماید.»

تعطیل کردن برخی از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی از سوی وزارت کشور بهر بهانه که انجام شود رویه‌ای بسیار ناگوار بنیاد می‌نهد.

اتخاذ این تصمیم، نه تنها در حال حاضر، حقوق شناخته شده ملت را خدشه‌دار می‌سازد، بلکه راهی باز می‌نماید که در آینده هم هردولتی بنابه تشخیص خود، اصول قانون اساسی را نادیده بیاندازد.

قانون اساسی حاضر، باهمه‌ی نقص‌ها ره‌آورد انقلاب خونبار و جان‌پزیه‌های شگرف مردم ایران است و قدرت حکومت و نظام سیاسی کشور نیز برخاسته از همین قانون اساسی است.

ساخت سیاسی کشور رانمی‌توان به سلیقه‌ها و تشخیص‌ها سپرد و این ساخت می‌باید، دور از برداشته‌های گوناگون سیاستگران، از استواری بهره‌مند باشد و مردم و ارگان‌های گوناگون کشور باید روند تلاش‌های خود را در پرتو این ساخت که بر قانون اساسی تکیه دارد، توجیه کنند.

قانون اساسی یک سند تاریخی و تعیین کننده و مظهر برحق بودن ساخت سیاسی کشور است و میلیون‌ها رایی که از جانب مردم برتأیید این سند اعلام گردیده، بر نظام حکومتی کنونی کشور مشروعیت می‌بخشد.

متزلزل ساختن احکام این سند، به معنای پدید آوردن تردید در مشروعیت نظام حاکم است که دست اندر کاران حکومت به عمد یا به اشتباه آن مبادرت کرده‌اند.

اینان اگر به حقوق و آزادی‌های مردم احترام نمی‌گذارند، حداقل باید که پایه حکومت خود را به تزلزل در نیارند.

نادیده انگاشتن اصول قانون اساسی توسط اولین دولت جمهوری اسلامی ایران، رویه‌ای پدید می‌آورد، که حکومت‌های آینده هم هر وقت خواستند،

اصل هفتاد و نهم قانون اساسی چنین مقرر می‌دارد «برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای ملی موقتاً محدودیت‌های ضروری را بر قرار نماید ولی مدت آن بهر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.»

پس این اصل قانون اساسی چندان صریح و روشن است که جای هیچگونه تردید و ابهام باقی نمی‌گذارد و طبق آنچه در این اصل آمده است، محدود ساختن حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی بدون تصویب مجلس میسر نیست و حتی اختیار مجلس هم برای کامل شدن محدودیت‌ها بی‌انتهای نمی‌باشد.

وضع چنین اصلی و برقراری داشتن چنین رویه‌ای در حقیقت قانونی کردن یکی از اصلی‌ترین دست‌آوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران است که در شعار «آزادی - استقلال - جمهوری اسلامی» به گونه‌ی یک خواسته تردید ناپذیر مردم عنوان شد.

تصریح‌های بی‌دری بر حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و جلوگیری از برقراری حکومت نظامی در احرای این خواسته وضع شده است.

بنابراین احرای درست و دقیق این اصل توسط دست اندر کاران حکومت ضروری است. انتخاب ناپذیر و هر مقام کشوری که به انقلاب اسلامی ملت ایران اعتقاد و احترام دارد نباید اندیشه محدود ساختن حقوق ملت را در

دست بالا اگر روند رویدادها چنان است که برای مدت کوتاهی باز کردن محدودیت‌هایی را بر برخی

دولت در بوجود آوردن تعاونی‌های توزیع تاکنون نه برنامه‌ای عرضه داشته و نه عملی کرده و پیداست که با کمبود چشمگیر فرآورده‌های کشاورزی و دامی در سال جاری چه آشفته بازاری پدید خواهد آمد.

فشار کمبود مواد غذایی و کالای مصرفی دولت را واداشت تا به بهانه وجود شرایط جنگی بعضی از نیازمندیهای مردم را سهمیه بندی کند به تصور آنکه این کار، چارمساز دشواریها خواهد شد. ولی درحقیقت با این عمل روند اقتصاد کنونی کشور را که هنوز بر ضابطه‌های سرمایه‌داری خصوصی استوار است به بن‌بست‌های تازه و حاد کشید.

همه این نابسامانیها و بفرنجی‌ها بی‌هیچ گفتگو از نداشتن برنامه و ناآگاهی و ناتوانی دست‌اندر کاران برخاسته است و اگر ویرانگری همچنان ادامه یابد، باید در انتظار گرانی و نایابی بیشتر کالاها و گرسنگی و برهنگی مردم و به گدائی افتادن آنها بود.

کلاس نقاشی

مرتضی کاتوزیان

خیابان صبا چهارراه بزرگمهر ساختمان صبا طبقه سوم تلفن ۶۶۶۸۷۱

ارج انقلاب در قدرت سازندگی آنست

مردم به هیچکس بدهکار نیستند

به تازگی قدرتمداران به بارانیدن اتهام بر حریفان، بسنده نکرده و مردم را واداشته‌اند تا جنگ در گریبان یکدیگر بزنند.

گروهی از قدرتمداران، وابستگان خود را به صحنه‌ای روانه کرده‌اند تا گفتاری را بر آشوبند، و از رسیدن پیامی به مردم جلوگیری کنند.

این ماجرا به آستین کشیدن و گریبان دریدن کشیده است و سپس هر کدام از دو گروه از نظام می‌افزایند.

پدید آوردن یک جامعه آزاد، به فراگیری شرایط روانی و عاطفی خاص نیاز دارد و باید مردم یک کشور برای پذیرا شدن جامعه آزاد، آموزش ببینند و آمادگی بیابند.

چنین آموزش و آمادگی، تنها در متن تفاوت برداشتها و گونه‌گونی اندیشه‌ها حاصل می‌آید.

بر آمدن زندگی فکری و سیاسی پررونق مردم و آماده بودن مردم را برای چنین زندگی به شناسایی مانند کرده‌اند همان سان که یک شناور، باید در آب فرو رود و غوطه خورد، تا شناوری بیاموزد. مردم یک کشور هم باید در اصطکاک موج‌های فکری غوطه بخورند، تا بتوانند، زندگی کردن در جامعه آزاد را بیاموزند.

آدمی به صورت طبیعی خود، هیچ نمی‌داند و هیچ راهی نمی‌شناسد، هر آنچه اندیشه و شیوه زیستن آدمی را می‌سازد، آموزش‌هایی است که دریافت می‌دارد.

آموزش‌های یک سویه در پروردن توان اندیشه آدمی سهمی اندک دارد و به طور اساسی اندیشه‌های آدمی باید در یک هنگامه پرشور درگیر شود تا توانائی آنها روشن و آزموده گردد.

بستر رشد هر اندیشه، درگیری با فاسادگاری‌هاست و هر اندیشه آنگاه ارج می‌یابد که از متن یک برخورد پر حرارت، پیروز به در آمده باشد.

هیچ شیوه برداشت واداره هم، از اعتباری مطلق و جادوانی برخوردار نیست.

هر اندیشه و هر شیوه در شرایط زمانی و مکانی خاص اعتبار دارد، و با دگرگونی شرایط، می‌باید در درون خود، نطفه‌های کمال جوئی تازه بیآفریند و آنها را برپوراند و سپس بار دیگر، دستاوردهای خود را در معرض برخورد قرار دهد، تا استواری آنها معین شود یا فراهم آید.

زندگی صحنه درگیری پیوسته اندیشه‌ها و برداشتهاست و چنین درگیری‌ها، شرط اصلی رشد اندیشه و رشد روانی و عاطفی آدمی است و پرهیز از آنها، پرهیز از زاینده‌گی و سرشاری است.

هراس از چنین درگیری‌ها، به سیاهی و تباهی ره می‌برد و ارج فراوان مردم سالاری هم در این است که زمینه چنین درگیری‌ها و به دنبال آن زمینه بالندگی آدمی را فراهم می‌دارد.

خفقان فکری، به گونه‌ای دقیق به معنای فرو کوفتن زمینه درگیری اندیشه‌ها و برداشتها می‌باشد و نارسائی اساسی حکومت‌های خود کامه نیز در همین نکته نهفته است.

این گونه حکومتها، با تعطیل کردن گفتگو، از رشد فکری مردم جلوگیری می‌کنند و مردم در زیر سلطه یک حکومت خود کامه، آرام آرام، روند اندیشیدن را از دست می‌نهند و به روند اطاعت کردن خود می‌گیرند.

خفقان فکری و فنا شدن زمینه باروری اندیشه‌ها و بالندگی مردم.

دریغای وای دریغای که قدرتمداران کنونی جامعه ما، با هر دو شرط به کلی بیگانه‌اند.

ویژگی قدرتمداران کنونی ایران، ناتوانی و ناآگاهی حیرت‌آور در اداره کشور است و تا آنجا که،

کشور و بر مردم، رخ خواهد نمود.

فاجعه پریشیدگی اقتصادی و اجتماعی و فاجعه خفقان فکری و فنا شدن زمینه باروری اندیشه‌ها و بالندگی مردم.

دریغای وای دریغای که قدرتمداران کنونی جامعه ما، با هر دو شرط به کلی بیگانه‌اند.

ویژگی قدرتمداران کنونی ایران، ناتوانی و ناآگاهی حیرت‌آور در اداره کشور است و تا آنجا که،

کشور و بر مردم، رخ خواهد نمود.

فاجعه پریشیدگی اقتصادی و اجتماعی و فاجعه خفقان فکری و فنا شدن زمینه باروری اندیشه‌ها و بالندگی مردم.

دریغای وای دریغای که قدرتمداران کنونی جامعه ما، با هر دو شرط به کلی بیگانه‌اند.

حتی در اجرای تکلیف‌های عادی و جاری هم درمانده‌اند.

درماندگی، صفتی نیست که به طور تسامح و یا اتفاقی به گروه قدرتمداران کشور بار شده باشد.

این صفت، گواراترین واژه‌ای است که در شناخت این گروه می‌توان بیان کرد. این صفت به گونه‌ای

یک بیماری فراگیر، همه زیر و بالای دستگاه حکومتی را فراگرفته و از سوی دیگر، در جریان

فزونتر شدن هم هست.

قدرتمداران، در مسیر رشد و بالندگی هم حرکت نمی‌کنند، از ایشان در بستر زمان، هیچ کمال جوئی، دیده نمی‌شود.

درماندگی قدرتمداران کشور، فضای زندگی را بر مردم به راستی تلخ و ناگوار کرده است و چنانکه

در گذشته هم نوشته آمد کار اصلی مردم، در شرایط کنونی اینست که غم شده است.

مردم غم برغم می‌نهند و در کشور مصیبت بر مصیبت می‌نشینند و در حلقه بسته قدرتمداران، درماندگی بر درماندگی می‌افزاید.

پیامد این درماندگی فزونی یابنده، و پیامد این تلخی‌ها و مصیبت‌های غیر لازمی که بر ایران

و بر انقلاب فرو می‌آید، به گونه‌ای طبیعی گسترده شدن اعتراض مردم است.

اینک در سرتاسر میهن پهناور ما، در هر شهر و در هر برزن همه گروه‌های اجتماعی به اعتراض

پرداخته‌اند، مردم دریافته‌اند که این همه نابسامانی از درماندگی قدرتمداران برخاسته است و پس از این

روبه اعتراض ایستاده‌اند، آهنگ این اعتراض، با سرعتی غیر قابل انتظار، اوج می‌گیرد و رساتر می‌شود.

قدرتمداران در برابر این موج اعتراض که از زرفای جامعه برخاسته و با سرعت قدرت و گستردگی

می‌یابد به دو واکنش پرداخته‌اند و هر دو واکنش هم در مجموعه یک انتظام درمانده، بسیار طبیعی است.

واکنش قدرتمداران جامعه، پرداختن به خفقان فضای فکری و سیاسی کشور از یک سو، و بارانیدن باران اتهام بر حریفان سیاسی از سوی دیگر است.

بدین سان، ایران، در نخستین سال‌های تجربه زندگی آزاد، با این روندهای اساسی، روبرو است،

یکی پریشانی زندگی مردم، دیگر پدید آمدن اختناق در فضای فکری و سیاسی کشور، و سرانجام

درگیری‌های زینبار قدرت طلبان و قدرتمداران و بارانیدن اتهام از جانب آنها بر یکدیگر.

اینک هر خبری که از رسانه‌های گروهی، به آگاهی همگان می‌رسد، دریکی از این زمینه‌ها

میباشد و خبرها در یک زمینه چشمگیر است و گاه در زمینه دیگر.

گاهی انبوه خبرها از فراز آمدن تلخی بیشتر حکایت می‌کند و گاهی از تندتر شدن باران اتهام قدرتمداران بر یکدیگر.

فقر اندیشه و باروری اطاعت، دو غول مهیب به زنجیر کشیدن آدمیانند که در حکومت‌های خود کامه زاده و پرورده می‌شوند.

ایجاد شرایط درگیری اندیشه‌ها، و ارائه شیوه‌های گوناگون برداشت، تکلیف

اساسی رهبران و دولتمردان و زمامداران جامعه است.

این کسان باید فضای سیاسی کشور را با عرضه داشتن اندیشه‌ها، رونق و شکوفائی بخشند و باید با

دقت و حوصله، اندیشه‌های دیگر را به واریسی بکشند و هر نارسائی را که در آنها می‌یابند، آشکار

دارند تا همگان از کم و کاست هر اندیشه آگاه گردند و باید چنسدان در این راه استواری و

بردباری پدید آرند که مردم فرصت بیابند تا خود را آموزش دهند و توان فکری و روانی و عاطفی زیستن

در یک جامعه آزاد را در خود بیآفرینند و روحیه‌ای بیابند که شایان چنین جامعه‌ای باشد.

فراهم آمدن چنین روحیه‌ای در مردم، بر اساس آنچه به کوتاهی گوشزد شد، به رفتار و گفتار دولتمردان جامعه وابسته است.

جامعه‌ای که مراحل نخستین زیست آزاد را تجربه می‌کند، در بخش بزرگی از ره جوئی‌های خود، به

شیوه کار رهبران وابسته است و مسئولیت شگرف رهبران جامعه‌هایی که در آغاز راه آزادی قرار

دارند، از اینجا برمی‌خیزد.

ایران، در شرایط کنونی، در جریان گذرانیدن چنین تجربه‌ای است و مردم آن اینک در گیرودار

ساختن یک جامعه آزادند و گردانندگان کارها در شرایط کنونی میهن ما، افزون بر وظیفه سنگین

اداره درست نظام حکومتی، این وظیفه را هم نیز برعهده دارند که مردم را در تجربه سرشار زندگی در جامعه آزاد یاری دهند.

بارها و بارها گفته شده است که، آدمی محصول شرایط اجتماعی حاکم است و در متن شرایط

خفقان، انسان‌هایی والا و سرشار از عاطفه، بدشواری پدید می‌آیند و یا دست کم فراگیری

همگانی این روحیه‌ها فراهم نخواهد آمد.

قدرتمداران جامعه کنونی ایران، باید دو شرط اساسی دارا باشند، یکی توانائی شگرف در سامان

بخشیدن به نظام اجتماعی و اقتصادی کشور و دیگر بردباری بی‌پایان در تاب آوردن اندیشه‌های دیگران

و ارج نهادن بر آنها.

اگر هر کدام از این دو شرط در قدرتمداران جامعه سستی گیرد، فاجعه‌ای عظیم در پس آنها، بر

کشور و بر مردم، رخ خواهد نمود.

فاجعه پریشیدگی اقتصادی و اجتماعی و فاجعه خفقان فکری و فنا شدن زمینه باروری اندیشه‌ها و بالندگی مردم.

مردم را از همه رویدادهای کشور آگاه کنید.

آینده کامبوج

محکوم ساختن این تهاجم نظامی، تلاش تازه‌ای برای بازگیری استقلال کشورش آغاز نمود.

بتازگی نور دوم سپهانوک پیشنهادی برای ایجاد یک جنبش رهایی بخش ملی طرح کرده و باردیگر نظرها را به سوی خود جلب نموده است.

سپهانوک در طول مبارزات طولانی به اعتراف خویش خطاهای بسیاری را مرتکب شده است و می‌گوید: «یکی از دلایل‌های اصلی شکست من، اجازه روی کار آمدن به کاربدستان فاسد و وابسته به بیگانه بوده است. امپریالیسم آمریکا با دادن رشوه به بخشی از افسران ارتش کامبوج، آن‌ها را که به کودتا علیه من تحریک کرده بود. «و در جای دیگر می‌گوید «بسیاری از کامبوجی‌ها مرا به خاطر همکاری بی‌قید و شرط با ویتنام، خائن می‌نامند.» اما وی می‌افزاید که از خطاها و شکست‌های گذشته‌اش درس‌های آموزنده گرفته است و هرگز این خطاها را تکرار نخواهد کرد و می‌گوید: «در ده سال اخیر بارها به کردارهای گذشته‌ام اندیشیده‌ام و درس‌های تلخ و وحشتناکی آموخته‌ام.»

سپهانوک فجاج خمرهای سرخ را در طول تسلط بر کامبوج هرگز نبخشیده و می‌گوید: «هرگز حاضر نیستم تحت رهبری خمرهای سرخ با ویتنام‌ها بجنگم تا وقتی خمر سرخ کرسی کامبوج در سازمان ملل متحد را در دست دارد من به بازنشستگی سیاسی خویش ادامه خواهم داد.»

با این همه سپهانوک اذعان دارد که خمر سرخ به عنوان یک حزب سیاسی دارای ارتش، باید در جنبش‌رهایی بخش ملی شرکت داشته باشد.

سپهانوک اظهار داشته است که ویتنامیها را هرگز نمی‌توان در نبرد جبهه‌های شکست داد، اما با نبردهای پیگیر چریکی می‌توان آن‌ها را به ستوه آورده و ادار به ترک کامبوج ساخت.

رهبر سابق کامبوج، چین را کلید اصلی حل بحران این کشور دانسته و می‌گوید: «روزی فرا خواهد رسید که چین به حمایت بی‌قید و شرط خویش از خمر سرخ پایان داده و در عوض از حرکت‌های ملی‌جانبداری خواهد نمود.»

در مورد آینده کامبوج پس از پایان اشغال نظامی توسط نیروهای ویتنامی، سپهانوک به ایجاد یک کشور آزاد تحت نام «کامبوج» نه «کمپوچیا» دمکراتیک» نه «جمهوری خلق» و نه «کمپوچیا» اعتقاد دارد و می‌گوید: «پس از آزادی، درفش قدیمی و ملی ما درفش کامبوج خواهد بود، نه درفش‌های هواداران روسیه و چین.»

چندی بعد از وحدت حزب کمونیست غیرقانونی اعلام شده و کاربدستانی که توسط سپهانوک از کشور تبعید شده بودند، جنبش «خمر سرخ» در سال هزار و نهصد و شصت و هفت پایه ریزی گردید.

در سال نهصد و هفتاد و یک، ژنرال «لون نول» یکی از افسران ارتش به دستور آمریکا بایک کودتای نظامی، سپهانوک را خلع و خود را رئیس جمهور کامبوج خواند.

امپریالیسم آمریکا که از سیاست‌های بیطرفانه سپهانوک به تنگ آمده بود با سرنگونی وی، بظاهر از تلاش خود برای ایجاد جبهه تازه‌ای در نبرد بامبارزان ویتنام، نتیجه گرفت.

در پی وقوع این کودتای نظامی، سپهانوک به چین گریخت و آغاز مبارزه خود با امپریالیسم آمریکا و دست نشاندگانش را در کامبوج اعلام نمود.

در طول سال‌های نبرد آزادیبخش ملی، سپهانوک که از پشتیبانی مردم برخوردار بود با جنبش «خمر سرخ» دست همکاری داده به همراه مبارزان ویتنامی به نبردی بی‌امان با امپریالیسم آمریکا و دولت‌های دست‌نشانده‌اش در «سایگون» و «پنوم پن» پرداختند و سرانجام این دو دولت پشوالی را برانداختند.

پس از سرنگونی حکومت ژنرال «لون نول» جنبش خمر سرخ به رهبری پول پوت حکومت رابه دست گرفته و سپهانوک نیز به حالتی تشریفاتی به سمت رهبر کامبوج انتخاب گشت.

در طی دوسالی که خمرهای سرخ بر کامبوج حاکم بودند، دست به اجزای یکی از خشن‌ترین برنامه‌های مارکسیستی زدند و اعتراض‌های سپهانوک نیز به عزل وی انجامید.

پارهای از آگاهان اظهار کرده‌اند در طول دوسال حکومت خمرهای سرخ بر کامبوج، بیش از نیمی از جمعیت هشت میلیون ایس کشور بر اثر شیوع بیماری‌های گوناگون، تصفیه‌های خونین و دیگر روش‌های سرکوب جان خود را از دست داده‌اند.

پس از عزل سپهانوک، پول پوت به همراه «خیوسامپان» که به مقام سپهانوک رسیده بود، خود را درگیر نبردهای مروری فرسایشی با حکومت طرفدار روسیه ویتنام یافت.

نقطه اوج درگیری‌ها آغاز جنگ رسمی میان کامبوج و ویتنام بود که عاقبت به سقوط پوم پس و تسلط ارتش ویتنام بر کامبوج انجامید.

پس از اشغال نظامی کامبوج توسط ارتش ویتنام، سپهانوک که کناره‌گیری خود را از سیاست اعلام نموده بود، باردیگر با

و آوارگیها بوده است، اکنون بار دیگر شاهد بپاخاستگی مردم برای آزاد سازی میهن خود می‌باشد.

موقعیت کنونی کامبوج از سوئی ناشی از سلطه طلبی‌های ابرقدرت‌ها و همسایگان واز سوئی دیگر ناشی از اشتباه‌ها و خطاهای کار بدستان سابق خود می‌باشد.

هنگامی که در سال هزار و نهصد و سی «هوشی مین» حزب کمونیست هند و چین را بنیانگذار، این حزب که بسیاری از عضوهای آن را «آنام»ها (ویتنامی‌ها) تشکیل می‌دادند، داعیه تسلط بر سراسر هند و چین را در سر می‌پروراند.

اما با آغاز نبردهای پارتیزانی در ویتنام، هوشی مین به این حقیقت پی‌برد که هرگز نمی‌توان تحت نام حزب کمونیست هندوچین، نبرد آزادیبخش ملی را در ویتنام ادامه داد.

به همین دلیل در سال هزار و نهصد و پنجاه و یک، انحلال حزب کمونیست هندوچین را اعلام نمود ولی در همان سال «پراخه خون» (حزب کمونیست کامبوج) توسط «سالوت سر» عضو سابق حزب کمونیست هندوچین بنیان گذارده شد.

سالوت سر همان شخصی است که بعدها با نام «پول پوت» رهبری یکی از تندروترین حکومت‌های کمونیستی را برعهده گرفت و علت تغییر نام وی را هم می‌توان در اختلاف‌های ویتنام و کامبوج در سال‌های دهه هفتاد دانست.

پول پوت که تمی خواست رهبری حزب کمونیست ویتنام را بر حزب خود بپذیرد با تغییر نام خویش تاریخ پراخه خون را نیز دگرگون کرده و زمان بنیان‌گذاری حزب کمونیست کامبوج را سپتامبر هزار و نهصد و شصت خواند. پس از ایجاد حزب کمونیست کامبوج، این کشور به علت

موقعیت استراتژیک خود به یکی از راه‌های عبور تدارکات نظامی «ویت کنگ‌ها» تبدیل گشت، بطوری که بخشی از جاده مشهور «هوشی مین» نیز از کامبوج می‌گذشت.

«نوردوم سپهانوک» رهبر پیشین کامبوج در طول آن سال‌ها در تلاش بود با حفظ بی‌طرفی، این کشور را از نبرد ویتنام دور نگاه دارد و به همین دلیل پس

از این که در جلوگیری از کمک‌های کمونیست‌های کامبوج به ویت کنگ‌ها توفیق نیافت، حزب کمونیست کامبوج یا پراخه خون را غیرقانونی اعلام نمود.

قدرتمداران بدانند، مردم ایران به هیچکس بدهکار نیستند، هیچکدام از شخصیت‌ها و گروه‌ها، به مردم و به میهن ما، هیچ یاری ندادند و هیچ رنج و محنتی از اینان نکاستند.

اینک زمان آن است که همه شخصیت‌ها و گروه‌ها، از ریا و زورمداری و طلبکاری و تفرعن دست بشویند.

فروتنی و بردباری و راستی، در سرتاسر فرهنگ و ادب ایران ستایش و شناخته شده، قدرتمداران باید که این درس‌ها را از بر بکنند و در گفتار و کردار خود به کار گیرند.

و ای دریغ که این همه در زمانی رخ می‌دهد، که دشمنی فرومایه، به اغوای جهان‌خواران، بر ایران تاخت آورده است.

در متن جنگی چنین ویرانی آفرین، قدرتمداران کشور در راه فرو کوفتن یکدیگر گام می‌زنند و هرتوان که دارند، در تباہ کردن یکدیگر به کار می‌گیرند.

این حکایت را به کجا توان برد و این روایت را بر که می‌توان باز گفت که در آن سوی، خانه‌های مردم بر سرشان کوفته می‌شود، و در این سوی، مشت‌های مردم بر چهره یکدیگر فرود می‌آید.

مردم اینارگر ایران، از قدرتمداران کشور چشمداشتی دیگر می‌داشتند و امید بسته بودند که گره از کارشان باز شود و از رنج شوربختی‌های بسیارشان کاسته گردد ولی دریغاً چنین نشد.

هر گروه و هر کس، با عنوان کردن مشت‌ها و بی‌پایه، صلاهی رهایی سر داده و با نابردباری هر خطا را ناشی از رویه و اندیشه دیگران می‌شناسد ولی هیچکدام از این واژه‌ها و عبارتها که در توجیه کارهایشان بیان می‌دارند، اعتبار ندارد.

کشور و مردم ایران، آزمایشگاه برداشت‌های خام و ناقص و بی‌پایه این و آن بودند، و می‌خواستند، «شایعه سازان» را سرکوب سازند.

هرگز تعریف روشنی از «شایعه» به دست ندادند و چند روزی در چند جا با این و آن در آویختند و سپس دریافتند که شمار «شایعه سازان» برابر با اکثریت بزرگ مردم ایران است و به ناچار از پی گرفتن این حکایت گذشتند و اینک به این بسنده کرده‌اند که دردها و رنج‌ها در گردهمایی‌ها و به بانک بلند گفته نشود.

تردیدی نیست که دیر یا زود، به ناگزیر از این خواسته هم در خواهند گذشت، زیرا رنج‌ها چندان رو به فزونی دارد که دیگر پرده کشیدن بر آنها از هیچکس و هیچ گروه ساخته نیست.

دیگر هیچ حربه و هیچ تدبیر نمی‌تواند همگان را از تلفات به این اندیشه باز دارد که پدید آمدن این همه مصیبت ناگزیر نبوده است.

به آسانی ممکن می‌بود که از این دردها جلو گیری کرد و به آسانی میشد، راهی پیمود که سرانجام آن این گونه اندوهبار نباشد.

شده است و هر کدام چنان با جسارت داد سخن می‌دهند و از دانش ژرف خود افسانه می‌سرایند و مردم آرزومند و مشتاق را به پیروی خویش می‌خوانند که گوئی بزرگترین نابغه دنیای اندیشه در وجود ایشان جلوه گر شده است.

به راستی پدید آمدن این همه نابغه و صاحب‌نظر و راهبر و عرضه داشتن این همه راه کار با این همه ویرانی و پریشانی چگونه می‌توان توجیه کرد. بی‌شک، پیامد ناگزیر این پریشانی‌ها، دامن

قدرتمداران را هم خواهد گرفت و ایشان نیندارند که محنت‌ها و مصیبت‌ها فقط بر مردم خواهد آمد. اگر از رنج بی‌امان مردم آزرده نیستند، دست کم به آینده ناگواری که در انتظار خودشان است بیندیشند و راهی دیگر بجویند، راهی سواى آن که تاکنون رفته‌اند و از قدرتمداری و انحصارگری و افاده بر مردم فروختن درگذرند.

قدرتمداران بدانند، مردم ایران به هیچکس بدهکار نیستند، هیچکدام از شخصیت‌ها و گروه‌ها، به مردم و به میهن ما، هیچ یاری ندادند و هیچ رنج و محنتی از اینان نکاستند.

تعیین سهم هر کدام یا هر گروه از قدرتمداران کاری است که به رسیدگی‌های دقیق و واری‌های بسیار نیاز دارد و فرصت و شرایط آن در اختیار نمی‌باشد. اما، قدر مسلم آن است که هیچکس و هیچ گروه نمی‌تواند، یکسره خود را از مسئولین این پریشانی‌ها مبری داند. اگر گفتارها و رفتارهای قدرتمداران در دو سال گذشته به واری کشیده آید به نیکی و روشنی آشکار خواهد شد که

هیچکدام نتوانسته‌اند مسئولیت اساسی و تاریخی خود را ایفا کنند و اینک کشوری برجا مانده پر از مصیبت و مردمی انباشته از محنت.

اکنون این مردم محنت رسیده را رودرروی یکدیگر قرار میدهند و آنان را وا می‌دارند که گریبان از هم بدرند و سپس کار را به دادخواهی از دیوان قضا می‌کشاند و این‌ها کجا می‌تواند تجربه آزاد زیستن را به مردم، بیاموزد.

انبوه بزرگ مردم بیکار و پریشانحال کشور را به این باور راندن که هرچه خطا است از گروه دیگر است و آنچه روا است از گروه خودی است به روشنی حکایت از موج بالا گیرنده پریشانی می‌کند.

تفاوت برداشت، که یک زمینه رشد فکری و عاطفی مردم است، به گریبان کشیدن رسیده، و پیامد این گریبان کشی، سست‌تر شدن بنای جامعه آزاد است.

قدرتمداران که وظیفه اداره کشور را نتوانسته‌اند به شایستگی انجام دهند و نظام اقتصادی واداری ایران را به پریشانی حیرت‌آوری کشیده‌اند، اینک در راه پایان بخشیدن به روندهای مردم سالاری گام گذاشته‌اند.

سرانجام گریبان گرفتن و آستین کشیدن، چیزی جز فرو خفتن روند آزاد زیستن نیست.

قدرتمداران که هیچ توانائی در کار اداره کشور نشان ندادند، اینک نارسائی بردباری خود را آشکار می‌کنند.

دو شرط اصلی بنای جامعه آزاد که توانائی و بردباری بسیار قدرتمداران است، حاصل نیامده و بر اثر آن، اینک اندیشه مردم سالاری در کار رنگ باختن است.

اینک مردم، پریشان و بهت‌زده و راه‌گم کرده، در جنگال کابوس‌های تازه‌ای گرفتار می‌آیند، و از ایشان خواسته می‌شود به پشتیبانی از یک گروه، بر دیگر گروه مشت بکوبند.

اینک امید بهروزی و آزادی به روند زور ورزیدن؛ بر سر هم کوفتن و از یکدیگر هتک حرمت کردن کشیده است.

راستی آن است که غرامت این درگیری‌ها را مردم می‌پردازند و راستی آن است که رنج و پریشانی کنونی مردم، با وحشت‌های فزاینده‌ای که از افق رخ می‌نماید در همه آمیخته شده و راستی آن است که اکنون هر کس به تلاش است تا از مصیبت‌ها و محنت‌ها که در راه‌اند، کمتر نصیب یابد.

در چنین حالی دیگر کجا می‌توان حرمت اندیشه مردم سالاری را در قلب‌ها گرم و زنده نگهداشت و دیگر کجا می‌توان مردم را برای زندگی در جامعه آزاد آموزش داد و آماده داشت.

قدرتمداران، ه تنها بر روزگار کنونی، تلخی فشانده‌اند، بلکه بر امیدهای فردا هم ضربه می‌زنند.

اکنون دیگر جامعه انقلابی ایران، مکتب آزادی نیست که مکتب زورمداری است و گناه این وضع بر شانه‌های همه قدرتمداران سنگینی می‌کند. و ای دریغ که این همه قدرتمداران سنگینی می‌کند.

حفظ حیثیت ذاتی بشر در گرامیداشت آزادیهای فردی و اجتماعی است

در جهان ملتها چه میگذرد

افزایش پناهندگان در جهان

آژانس امور پناهندگان سازمان ملل متحد اعلام کرد، در حال حاضر بیش از ده میلیون پناهنده در دنیا وجود دارد، که بیش از نیمی از آنها در آفریقا می‌باشند. به گزارش این آژانس در حال حاضر یک میلیون و هفتصد هزار پناهنده افغانی در پاکستان زندگی می‌کنند که بزرگترین دشواری در این زمینه را در دنیا بوجود آورده است.

همچنین به موجب گزارش‌های رسیده بیش از یک میلیون و پانصد هزار تن از مردم اتیوپی نیز به سودان و سومالی پناهنده شده‌اند.

اعزام سربازان خارجی به افغانستان

بر اساس گزارش‌های رسیده، علاوه بر هشتاد و پنج هزار سرباز روسی که در افغانستان استقرار یافته‌اند کشورهای کره شمالی، کوبا، ویتنام، بلغارستان، یمن جنوبی و آلمان شرقی نیز سربازان خود را به افغانستان گسیل داشته‌اند. به موجب این گزارش، کره شمالی یک واحد مرکب از پانصد تن از نیروهای ارتش خود را برای کمک به سوسیال امپریالیسم روسیه به افغانستان اعزام کرده است. در این میان منابع آگاه در دهلی نو گزارش دادند، هشت تن از سربازان کوبایی در یک درگیری در بازار قندهار به هلاکت رسیده‌اند.

تظاهر بر علیه الکساندر هیگ

دانشجویان دانشگاه «هارت فورد» واقع در شهر «هارینگتن» در آمریکا، در برابر منزل الکساندر هیگ وزیر امور خارجه آمریکا، دست به تظاهر زدند. شرکت کنندگان در این تظاهر، دخالت دولت آمریکا در امور داخلی روسیه را بشدت محکوم کردند. دانشجویان تظاهر کننده شعار می‌دادند: «مردم السالوادور حق دارند خود سر نوشت خویش را تعیین کنند».

قتل بیست نوجوان سیاه‌پوست در آمریکا

با کشف جسد یک نوجوان سیزده ساله در رودخانه‌ای در نزدیک شهر «آتلانتا» در ایالت جورجیا آمریکا تعداد کودکان سیاه‌پوستی که بتازگی در این منطقه به قتل رسیده‌اند، به بیست تن رسید. گفته می‌شود یک گروه نژاد گرای سفیدپوست قتل کودکان یاد شده می‌باشد، دست دارد. همچنین براساس گزارش‌های رسیده یک نوجوان سیاه‌پوست دیگر نیز در شهر «آتلانتا» ربوده شده و از او نشانی در دست نیست.

بخش آزاد شده افغانستان

براساس گزارش‌های رسیده جنگاوران افغانی یک «افغانستان آزاد» به طول یکصد کیلومتر و عرض پنجاه کیلومتر در داخل این کشور را در دست دارند و این منطقه که شهر قندهار نیز در آن قرار دارد بطور کامل از کنترل نیروهای روسی و دولتی خارج شده است. بموجب همین گزارش‌ها، اکنون نیروهای روسی و دولتی شهرهای بزرگ را کنترل میکنند و روزه روز کینه مردم افغانستان از اشغالگران روسی بیشتر میشود.

پشتیبانی از ایران

«والتر بوراگی» رئیس حزب «کنفدراسیون ملی» آرژانتین در نامه‌ای خطاب به صدام حسین عراق را به تجاوز علیه ایران متهم کرده و این عمل را اقدامی در پیشبرد هدفهای امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم جهانی قلمداد کرده است. در این نامه آمده است، «تمامی شواهد و قرائن حاکی از تجاوز بودن عراق می‌باشد و هیچ دلیلی هم برای توجیه علت تجاوز عراق به ایران وجود ندارد».

وخامت وضع اقتصادی السالوادور

براساس گزارش‌های رسیده، «خوزه ناپلئون دوارت» رئیس جمهور السالوادور اعلام کرد اصلاحات ارضی، که در رأس برنامه‌های دولت قرار داشت برای مدت پنج تا ده سال به تأخیر افتاده است. طبق گفته‌های یکی از کاربدستان السالوادور، اوضاع اقتصادی این کشور بسیار وخیم است و در صورت نرسیدن کمک اقتصادی احتمال سقوط دولت در شش ماه آینده بسیار است.

تاکنون امپریالیسم آمریکا حدود ده میلیون دلار کمک نظامی و شصت و سه میلیون دلار کمک اقتصادی در اختیار دولت السالوادور قرار داده است و بتازگی نیز اعلام کرده است کمکهای بیشتری به آن خواهد کرد.

از خبرهای هفته

تجدید قرار داد با کمپانی انگلیسی «تالبوت»

مدیر عامل شرکت ایران ناسیونال اعلام کرد که این شرکت قرار داد خود را با کمپانی انگلیسی «تالبوت» برای دریافت قطعات اتوموبیل پیکان تا پایان سال ۱۹۸۱ تمدید کرده است. این قرار داد در ماه مه سال ۱۹۸۰ پایان یافته بود ولی ارسال قطعات مورد نیاز کارخانجات ایران ناسیونال ادامه داشت.

کوشش برای خود کفائی

طبق اعلام آگاهان، سازمان راه آهن دولتی ایران در سال کنونی برای خود کفائی فنی، تلاش‌های بسیار نموده و از جمله تاکنون بیش از صد نوع واشر ساخته است. قرار است در نیمه دوم سال آینده نخستین سیلندر و سرسیلندر ساخت کارگاههای این سازمان به بازار عرضه گردد.

تقاضای پخش مذاکرات مجلس از رادیو و تلویزیون

در حدود یکصد تن از نمایندگان مجلس در نامه‌ای که بعنوان ریاست مجلس نوشته‌اند، خواستار پخش جریان جلسه‌ها و گفتگوهای مجلس از طریق رادیو و تلویزیون و روزنامه رسمی کشور شده‌اند. در این نامه ضمن اشاره به اصل شصت و نهم قانون اساسی که در آن گفته شده مذاکرات مجلس باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود، گفته شده است: «سوابق امر در همین کشور نشان داده است که زمینه دیکتاتوری زمانی فراهم شده است که مردم از مذاکرات مجلس و نتایج آن از وقایع مهم کشور بی‌خبر بوده‌اند».

اعتراض به تبعیض نژادی در انگلستان

گروهی از مردم هند به نشانه اعتراض به نژادپرستی در انگلستان در مقابل سفارت این کشور در دهلی نو پایتخت هند، دست به تظاهر زدند. هواداران کنگره ملی هند و دیگر گروهکهای سیاسی در این تظاهر سیاست نژاد پرستانه و تبعیض نژادی دولت محافظه کار انگلستان را نسبت به افرادی که تبار هندی دارند و یا زاده شده در کشورهای جهان سوم هستند، محکوم کردند. بتازگی، انگلستان شاهد فعالیت‌های گسترده نژاد پرستانه و افزایش حمله به اقلیت‌های نژادی بوده است.

بازداشت مبارزان در لهستان

براساس گزارش‌های رسیده، چهار تن از ناراضیان لهستان به اتهام فعالیت برای سرنگونی نهادهای قانونی کشور بازداشت شده‌اند و در صورت اثبات جرم ممکن است به اعدام محکوم شوند. از سوی دیگر اتحادیه آزاد کارگری لهستان (همبستگی) در اعتراض به بازداشت کورن خواستار برگزاری یک اجلاس اضطراری از نمایندگان اتحادیه شد.

محکومیت آفریقای جنوبی

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ده رای گیری جداگانه به اتفاق آفریقای جنوبی را به خاطر عدم موافقت با استقلال نامیبیا محکوم کرده و خواستار اعمال مجازات‌های اقتصادی اجباری علیه حکومت نژاد گرای آفریقای جنوبی شد. در این میان «اولیور تامبو» رئیس کنگره ملی آفریقا در سازمان ملل گفت، انزوای حکومت نژاد گرای آفریقای جنوبی تنها راه پایان درگیری میان حکومت این کشور و مردم است.

اعتراض ناراضیان آرژانتین

بیش از دویست تن از ناراضیان آرژانتین در اعتراض به بازداشت دهها تن از آزادخواهان این کشور در مقابل پارلمان این کشور دست به راهپیمایی زدند. تظاهر کنندگان در این راهپیمایی با بازداشت شدگان اعلام همبستگی کرده و خواهان آزادی آنان گشتند.

تصمیم‌های کمیسیون حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در سی و هفتمین اجلاس خود در ژنو بار دیگر اسرائیل را برای سیاست توسعه طلبی ارضی و اعمالش در منطقه محکوم کرد. همچنین این کمیسیون در یک قطعنامه دیگر خواستار خروج بی قید و شرط نیروهای خارجی از کامبوج شد.

نامه‌های رسیده

آقای نوید فرید از تهران

در نامه‌ای مینویسد «در شماره ۴۷ آرمان ملت» متن نامه «اداره کل مطبوعات و نشریات وزارت ارشاد» را در مورد «محتویات» آن هفته نامه و پاسخی را که به آن داده بودید خواندم.

در قسمتی از نامه مزبور نوشته شده بود «رسالت این نشریه بر مبنای انتقاد از تصمیمات و حرکات سیاسی و اقتصادی یک جناح می‌باشد».

عبارت «یک جناح» مرا بیاد داستان پدری انداخت که برای تعلیم و تربیت فرزندانش معلمی سرخانه گرفته بود. این معلم بینی بزرگی داشت که مورد مسخره بچه‌ها قرار میگرفت و یکی از کارهایشان شده بود بینی معلم را هدف ساختن و به آن ریگ پرتاب کردن تا سرانجام معلم به جان آمد و شکایت بچه‌ها را نزد پدر برد.

پدر از این حرکت فرزندانش سخت برآشفته و آنها را احضار کرد و سبب این بی حرمتی را جویا شد. یکی از فرزندان که از همه زرنگتر بود در پاسخ گفت «پدر جان: ما گناهی نداریم با هم مسابقه نشانه‌گیری با سنگ ریزه به یک هدف معین بر گزار میکنیم ولی از بخت بد به علت بزرگی بینی معلم از هر طرف که سنگ می‌اندازیم به بینی او میخورد».

حال داستان این «جناح» خاص است که تمام ارگانها و نهادهای کشور را بحق و ناحق در اختیار دار، دقوه مقننه در اختیارش است، قوه مجریه در اختیارش است و قوه قضائیه نیز در اختیارش است.

به این ترتیب از چه موضوعی میتوان انتقاد کرد که به نحوی مستقیم و غیر مستقیم عامل آن از همین «جناح» نباشد!

به اداره کل مطبوعات و نشریات وزارت ارشاد پیشنهاد مینمایم، راهنمایی کند از کدام سازمان و کدام موضوع انتقاد میتوان کرد که ارتباطی با آن «جناح» نداشته باشد!!

آقای بیدار از قائمشهر

زیر عنوان «قابل توجه وزارت کشور و بانک کشاورزی» نوشتاری به دفتر آرمان ملت فرستاده است که به درج آن مبادرت می‌شود «بعضی از مأموران بانک کشاورزی در پرداخت وام و اعتبار از شیوه نادرستی پیروی کرده صرفاً بخاطر رفع تکلیف و انجام مأموریت آن هم بطور سطحی و کاغذی با تفاوتی کامل عمل مینمایند، نه بخاطر هدف مقدس امداد به روستائیان».

نمونه گویای این واقعیت تلخ اینک: در تابستان سال جاری باران به اندازه کافی نیارید و محصول برنج در نواحی شمال کم و بیش نقصان یافت. در دهستان شیرگاه «قائم‌شهر» با اینکه نهر بزرگ «طالار» از میان آن میگذرد قطعات معدودی از زمین‌های شالیزار که فاصله بیشتری با سرآب داشته و یا فاقد حقایه بودند آسیب دیدند. در اواخر سال جاری از طرف بانک کشاورزی مأموران برای پرداخت وام جبران خسارت به قریه «کتی‌لته» شیرگاه اعزام شدند و بدون بررسی دقیق که این محل با داشتن حقایه کافی از سرآب، تا چه میزان خسارت دیده است؟ آماری از سرمایه‌داران بی‌نیاز محلی تهیه کردند حتی آنانکه از ده خارج شده‌اند و کشاورزی نمیکند و به کارهای دولتی اشتغال دارند نیز در لیست منظور گردیدند و ارقام مناسبی دریافت داشتند اما روستائیان تهیدست که ساکن همان محل می‌باشند و در اصطلاح محلی به «نصفه کار» معروفند و تعدادشان هم کم نیست و با زن و فرزندانش خود پاسبان بار سنگین برنجکاری را بردوش دارند از چشمان تیزبین مأموران معترم دور ماندند!! با اینکه هنگام پرداخت وجه حاضر شده و سهم خود را مطالبه نمودند ولیکن سرشان بی‌کلاه ماند. چنانچه شخص یا اشخاص دلسوز و متعهد و علاقمند به مسائل کشاورزی موضوع را پیگیری و اساسی دریافت کنندگان وام کشاورزان را مشخص نماید که چه تعداد ساکن شهرها و کارمند دولت هستند این تخلف بزرگ آشکار شده، بی‌تفاوتی و عدم احساس مسئولیت اجتماعی افشاء میگردد».

آقای سیامک ایلخانی پور از کرمانشاه

«قطعه شمعی را که به مناسبت چهاردهم اسفند سرودمانند همراه نامه‌ای برای شورای نویسندگان آرمان ملت فرستادم که به علت کمی جا تنها به چاپ بخشی از آن مبادرت می‌گردد».

«بدان که راحت زنده و پایدار خواهد ماند»

زیرا که تو پیشوائی، زیرا که تورهبری

زیرا که تو پدر ملی شدن صنعت نفتی

ای پیشوا، ای زنده‌ی نمر دنی

ای شیربیشه‌ی ایران

راحت ادامه دارد

و یادت چراغ فروزان راه استقلال

ای پیشوا، ای بزرگمرد، ای مصدق

توزندمای، توزندمای و هرگز نخواهی مرد»

ارگان حزب ملت ایران

انگیزه‌های صدام حسین برای صلحجویی

زوتیه ۱۹۶۸ حزب بعث در عراق به قدرت کامل رسید، چنین جلوه میداد که کشور را به دورانی از استقلال همراه با رعایت آزادیهای اساسی و عدالت اجتماعی خواهد برد ولی خیلی زود با سرکوب نیروهای مردمی و از سرگیری جنگ با کردها که از حقوق خود دفاع میکردند، چهره زشت این جنایتکاران از پشت پرده ریا بدر افتاد.

بعد از قرار داد الجزایر در مارس ۱۹۷۵ و سرکوب ده‌منشانه جنبش کردها بنظام بعثی چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی خود هر چه بیشتر به روشهای واپسگرایانه و واپسته به امپریالیستها دست یازید.

نظام بعثی عراق در بیرون کشور گذشته از نزدیکی با ابرقدرتها و دورافتادن از سیاست عدم تعهد که داعیه آن راداشت با کثیفترین رژیمهای منطقه مانند حکومت سلطنتی ایران و عربستان سعودی وارد به همکاری پرداخت و در درون کشور نیز از دامنه آزادیهای فردی و اجتماعی، هر چه بیشتر کاست و سرانجام در ۱۹۷۸ در عمل سیستم تک حزبی را استقرار داد.

نظام بعثی عراق در ادامه زندگی شوم خود نه تنها در رفتار که در گفتار نیز «آزادی» و «عدالت اجتماعی» را به کناری نهاد و بطور رسمی به بلند گوی «نژاد گرایی» بدل شد. حزب بعث نه تنها در زمینه سیاسی که در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و نظامی نیز، همه چیز را به انحصار خود در آورد و مردم عراق را در همه بعدهای زندگی به بند کشید.

بعثیهای عراق، اختلافهای درون حزبی را هم با همان شیوه‌ای که با مخالفان خود برخورد میکردند، حل نمودند و همکاران دیروزی چون به رقابت برخاستند به عنوان خائن به جوخه‌های مرگ سپرده شدند.

چیز را به انحصار خود در آورد و مردم عراق را در همه بعدهای زندگی به بند کشید.

بعثیهای عراق، اختلافهای درون حزبی را هم با همان شیوه‌ای که با مخالفان خود برخورد میکردند، حل نمودند و همکاران دیروزی چون به رقابت برخاستند به عنوان خائن به جوخه‌های مرگ سپرده شدند.

از این گذشته با پیروزی انقلاب، انجام نقشی که نظام سلطنتی زیر سلطه بیگانه در برابر امپریالیستها بر عهده داشت، میان دیگر کشورهای وابسته خود از وظیفه ویژه‌ای برخوردار گردید.

گرچه کار بدستار جمهوری اسلامی با خیالی آسوده حتی لحظهای به وضع عراق و توطئههای آن علیه انقلاب ایران نیندیشیدند و به هیچ هشدار در این زمینه گوش فرادادند اما بر عکس نظام بعثی از همان آغاز بنحو فزاینده‌ای خود را برای درگیری با جمهوری اسلامی آماده میساخت از یاری رساندن به گروههای ضدانقلابی در کردستان و خوزستان و پناه دادن به خیانتکاران فراری تا فعالیت گسترده جادسازی در مرز، همه میتوانست نشانه‌های بارز نیت پلید حکومت نژادگرای بعث عراق علیه ایران باشد ولی چشمهای بسیاری بر این آشکارترین واقعیتها بسته ماند.

در آستانه جنگ حکومت بغداد گمان داشت، از چنان آسودگی برخوردار است که میتواند در اندک مدتی ایران را از پا در آورد ولی همهی حسابگرها نادرست از آب درآمد. ایستادگی دلیرانه ارتش ایران برغم ضربتهایی که دانسته و ندانسته از مدتها پیش از جنگ بر آن وارد کرده بودند، و جانفشانیهای سپاه پاسداران انقلاب و دیگر بهادارهای مردمی، جبران ناتوانی کاربدستان انحصارگر جمهوری اسلامی ایران را نموده و نقشه‌های شوم صدام حسین نقش بر آب گردید.

دولت نژادگرای بعث عراق گرچه توانست بخشی از سرزمینها و شهر و روستای مرزی ایران را به تصرف خود در آورد و بیش از یک میلیون را آواره سازد و زیانهای اقتصادی سنگینی ببار آورد ولی به هیچیک از هدفهایی که داشت نرسید.

دولت نژادگرای بعث عراق گرچه توانست بخشی از سرزمینها و شهر و روستای مرزی ایران را به تصرف خود در آورد و بیش از یک میلیون را آواره سازد و زیانهای اقتصادی سنگینی ببار آورد ولی به هیچیک از هدفهایی که داشت نرسید.

دولت نژادگرای بعث عراق گرچه توانست بخشی از سرزمینها و شهر و روستای مرزی ایران را به تصرف خود در آورد و بیش از یک میلیون را آواره سازد و زیانهای اقتصادی سنگینی ببار آورد ولی به هیچیک از هدفهایی که داشت نرسید.

م الف ۸۵۷۸
آگهی حصر وراثت
بانو اقدس احمدوند صفایی بشناسنامه ۲- بشرح دادخواست کلاسه ۵۹۳۵-۱۱۹۵ این شعبه توضیح داده شادروان قاسمیپوربیابانی بشناسنامه ۹۰۴۳ در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۲۰ در گذشته وراثت حسین الفتوت آن مرحوم عبارتند از ۱- متقاضیه با مشخصات فوق‌الذکر صیال دائمی متوفی ۲- بانو ساراسرمیلی به شناسنامه ۱۷۶۴ صادره از ملایر ما در متوفی ۳- محمود پوربیابانی به شناسنامه ۹۱۵ صادره از تهران ۴- محمد پوربیابانی به شناسنامه ۲۰۷ صادره از تهران ۵- علیرضا پوربیابانی به شناسنامه ۱۱۸۰ صادره از تهران ۶- احمد پوربیابانی به شناسنامه ۷۰۹ صادره از تهران پسران متوفی ورثه دیگری ندارد.
لذا مراتب به نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تاچنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمدابراهیم طائف.

آگهی حصر وراثت
م الف ۹۹۴۷
آقای جلیل ذوالفقاری حصاری بشناسنامه ۳۲۵۵۸ اراک بشرح دادخواست کلاسه ۵۹۳۵-۱۵۴۷ این شعبه توضیح داده شادروان رقیه ذوالفقاری حصاری بشناسنامه ۳۲۵۵۶ در تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۱۳ در گذشته وراثت حسین الفتوت آن مرحومه عبارتند از ۱- متقاضی با مشخصات فوق‌الذکر ۲- کریم ذوالفقاری به شناسنامه ۴۹۱ صادره از اراک پسران متوفی ۳- فاطمه ذوالفقاری حصاری به شناسنامه ۷۴۵ صادره از اراک ۴- صدیقه ذوالفقاری تبار به شناسنامه ۱۱۶۱ صادره از تهران ۵- صفیری ذوالفقاری حصاری به شناسنامه ۵۲۵ صادره از اراک ۶- صفیه ذوالفقاری حصاری به شناسنامه ۶۶ صادره از اراک دختران متوفی ورثه دیگری ندارد.
لذا مراتب به نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تاچنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمدابراهیم طائف.

آگهی حصر وراثت
آقای بیژن بختیاری بشناسنامه ۲۷۹۷۰ تهران بشرح دادخواست کلاسه ۵۹۳۵-۲۲۱۱ این شعبه توضیح داده شادروان محمد بختیاری بشناسنامه ۳۸ در تاریخ ۱۳۵۹/۵/۲۶ در گذشته وراثت حسین الفتوت آن مرحوم عبارتند از ۱- متقاضی با مشخصات فوق‌الذکر ۲- منوچهر بختیاری به شناسنامه ۴۶۰ صادره از تهران ۳- بهروز بختیاری به شناسنامه ۶۲۴ صادره از تهران ۴- بیژن بختیاری به شناسنامه ۱۴۳۲ صادره از تهران پسران متوفی ۵- ویکتور بختیاری به شناسنامه ۴۰۴ صادره از تهران ۶- منیره بختیاری به شناسنامه ۷۹۹۹ صادره از تهران ۷- میترا بختیاری به شناسنامه ۸۴۶ صادره از تهران ۸- منیره بختیاری به شناسنامه ۱۷۳۵ صادره از تهران دختران متوفی ورثه دیگری ندارد.
لذا مراتب به نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تاچنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمدابراهیم طائف.

نگته‌ها

بقیه از صفحه هشتم

حیف و میل بیت‌المال آنست که این شهروند نباید پولش را بدهد و یک تکه کاغذ بخرد و بعد بدهد به راننده یا کمکر راننده که آن را جلوی چشم خودش پاره کنند و بعد هم آن را دور بریزند!!
این شهروند بجای این کار میتواند پولش را در جیبش نگه دارد و در عوض هر روز دستش را پیش دولت دراز نکند که عیدی بدهد، پاداش بدهد، اضافه حقوق بدهد، و از این حرفهای ضد انقلابی؟! حالا شما خودتان بگوئید کدام واجب‌تر است!؟

اندر برادری برادران!!

دوستی میگفت مگر نخست وزیر نگفته است که من برادر رئیس جمهور هستم؟ گفتم: چرا گفت: پس چرا ایشان که در نامه‌هایشان و گفته‌هایشان همه را برادر خطاب میکنند، در نامه‌ای که به رئیس جمهور نوشته‌اند و نظر ایشان را در باره وزیران پیشنهادی خود خواسته‌اند، نه تنها ایشان را برادر خطاب نکرده‌اند، بلکه فقط به عنوان «آقای رئیس جمهور» اکتفا کرده‌اند؟
گفتم: آخر برادر، برادر که با برادر این حرفها را ندارد!! علاوه بر آن برادر داریم تا برادر!!

عاقبت سماجت؟؟

بعضی از این استادان دانشگاه هنوز که هنوز است، حد و مرز خودشان را نشناخته‌اند و با اینکه مسئولهای دلسوز و عاقبت‌اندیش و عاقبت‌جو!! و رئیس‌های انتصابی و گردانندگان جهاد دانشگاهی، این همه نسبت به آنها بی‌اعتنائی میکنند و با انواع مسئولیتهای (نه شرقی و نه غربی!) سعی در شناساندن حد و مرز این استادان دارند، باز هم اینها نمیخواهند بفهمند که نباید پایشان را از خطی که برایشان کشیده شده است بیرون بگذارند!!
شما را چه به دانشگاه رفتن؟؟ مگر در آنجا حلوا خیر میکنند؟ یا چه زبانی به شما بگویند که دانشگاه تعطیل است؟ چرا کاری میکنید که مسئولهای محترم!! مجبور شوند به شیوه‌های غیراخلاقی و غیراسلامی توسل بجویند و اعلام کنند که مثلاً عده‌ای از استادان دانشگاه صنعتی شریف ممنوع‌الورود شدند!!
شما مگر نمیدانید که اینها هزار کار و مسئولیت و مشغله‌ای اساسی و مهم دارند و باید به کارهایشان برسند دیگر فرصت اینکه بیایند و با شما سروکله بزنند ندارد!! اینقدر مزاحم کارشان نشوید و سماجت نکنید که سماجت را عاقبتی بدتر از اینها خواهد بود!!

استقلال
سازمان انتشاراتی
میهن دوستی در ایران
نوشته:
دکتر ناصر تکمیل همایون
انتشاریافت

آرمان ملت
ارگان حزب ملت ایران
دارنده امتیاز: امیرسلیمان عظیمی
زیر نظر شورای نویسندگان
خیابان سپهدقربی خیابان سیند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷
شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی شماره ۳
ست. م الف ۱۴۷۲۴
رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمدابراهیم طائف

ارگان حزب ملت ایران

از خبرهای هفته

تشکیل مرکز بررسی تحقیقات دانشمندان ایرانی

سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران اعلام کرد که برای اولین بار در ایران مرکزی بنام «مرکز بررسی تحقیقات دانشمندان ایرانی» در این سازمان تشکیل شده است.

این مرکز تدوین و چاپ سندهای دانش ریاضی و نجومی ایران از زمانهای قدیم و بویژه دوره اسلام، و همچنین انتشار فرهنگنامه دانشمندان ایرانی و اسلامی را بعهده خواهد داشت.

اجراء و بازسازی ماکت ابزار رصدخانه مراغه و ارائه محل سایر رصدخانههای قدیم ایران، ساختن یک پلانناریوم (آسمان نگار) همچنین شناساندن همه دانشمندان و نابغههای ایرانی و اسلامی از وظیفههای این مرکز خواهد بود.

سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران از تمام علاقمندان به تحقیق و پژوهش خواسته است آگاهیهای خود را درباره دانشمندان ایرانی و اسلامی به نشانی این سازمان ارسال دارند.

صادرات پنبه ممنوع شد

ستاد بسیج اقتصادی کشور اعلام کرد برای جلوگیری از افزایش نرخ پنبه، نظارت و کنترل بر خرید و توزیع پنبه داخلی را از طریق ارگانهای مربوطه گسترش خواهد داد.

همچنین گفته می شود وزارت کشاورزی و عمران روستائی در نظر دارد با کوتاه کردن دست واسطهها، مانع چپاول دسترنج کشتکاران پنبه بشود.

در همین رابطه اعلام شده است که به علت نیاز داخلی کشور، صادرات پنبه از کشور غیرمجاز می باشد.

آمدگی سوریه برای همکاری با ایران

هفته گذشته سفیر سوریه در تهران با معاون بازرگانی خارجی وزارت بازرگانی دیدار و گفتگو کرد.

در این دیدار سفیر سوریه آمادگی دولت خود را برای ادامه همکاریهای همه جانبه با دولت جمهوری اسلامی ایران، بویژه در امور بازرگانی، اعلام کرد و اظهار داشت: «سوریه احتیاجات ایران را به سهولت می تواند تأمین کند و حاضر است تا حد امکان تسهیلات لازم را جهت واردات کالاهای ضروری و اساسی در اختیار ایران قرار دهد.»

تعطیل نوروزی کارگران

وزارت کار و امور اجتماعی طبق تصویب نامه هفتم اسفندماه جاری هیئت وزیران، مدت تعطیل نوروزی کارگران را برابر با تعطیل نوروزی کارمندان ارگانهای دولتی اعلام کرد.

بر اساس لایحه قانونی تعطیلات رسمی کشور، که در تاریخ هشتم تیرماه گذشته به تصویب هیئت دولت رسیده بود، تعطیلات نوروزی کارمندان دولت از بیست و نهم اسفند تا چهارم فروردین، بمدت پنج روز، تعیین شده بود.

تصویب لایحه معاملات مسکن

در هفته گذشته مجلس «لایحه راجع به نحوه اداره بنیاد مسکن و معاملات واحدهای مسکونی» را تصویب کرد.

بر اساس این لایحه از تاریخ تصویب این قانون هیأت امنای بنیاد مسکن منحل و تمام کارهای این بنیاد زیر نظر وزارت مسکن و شهرسازی اداره خواهد شد.

در این قانون وزارت مسکن و شهرسازی باید آئین نامه های اجرایی مربوطه را در مدت سه ماه تهیه و پس از تصویب وزیر مسکن و شهرسازی به اجراء بگذارد. همچنین بر اساس این قانون تمام عملیات دفتر معاملات مسکن متوقف شده و نقل و انتقال کلیه واحدهای مسکونی بر طبق ضابطه های خواهد بود که توسط وزارت مسکن و شهرسازی، حداکثر یک ماه پس از تصویب این قانون، تهیه و جهت تصویب به مجلس تقدیم خواهد شد.

تعداد مربیان تربیتی افزایش می یابد.

در سمیناری که تاگی از سوی کاربدستان وزارت آموزش و پرورش کشور انجام شده است، دکتر باهنر، وزیر آموزش و پرورش، با تأکید بر اینکه باید چهره های انقلابی «و مسلمان» و «متعهد» سرپرستی کارها را بدست گیرند، اظهار داشته، طرحی در دست است که برای هر دو بیست و پنجاه دانش آموز یک مربی تربیتی وجود داشته باشد

بقیه در صفحه ششم

اینگذردم که در کجایم

پس بنده لیر ملت

تولید و انتشار: وزارت قوه قضائیه

اطلاعیه

دیدار نوروزی همزمان با دبیر حزب و با یکدیگر روز شنبه یکم فروردین ماه ۱۳۶۰ از ساعت ۱۵ تا ۱۸ در تالار قرارگاه مرکزی حزب انجام خواهد شد.

دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۵۹ دبیرخانه حزب ملت ایران

حمید مصدق

ورق گردانی تاریخ

نقش هائی گرچه بس بسیار دارد چرخ می نماید که سرتکرار دارد چرخ

با تو گویم چرخ گردون بازی اش چون است نقش همسانیست، لیکن زیر و بم هایش دگرگون است بار دیگر قصه آن مرد ما را فسای و افسون است

دشمن ما هرزمانی شیوه ای آرد مهره های کهنه را بارنگهای تازه ای از کیسه جادو برون آرد لیک می خوانند مردم دست دشمن را،

گرچه پنهان است دستش در رای پرده بازی نیک می خوانند مردم این همه ترفند و غمازی روزگاران مدعاها را محک کردند

هر محک را سربها بر صفحه تاریخ حک کردند آن زمان که مردمان دلخسته از بیداد ناله می کردند زیر پتک استبداد

آن ابرمرد روانش شاد این ندا در داد:

«مردم ایران بیاخیزید،

«وین گران زنجیر استبداد را از پای بردارید

«دشمن بدخواه را در قعر خاک تیره بسپارید

امپراطوری دریاها و خشکیها

گرچه زیر حکم خود می داشت بیش از نیمی از دنیا

سخت می آزد از این مرد

و گمان می کرد

می توان چون دیگران او را به تهدیدی وطمعی

زیر بند بندگی آورد

باری اما او، مرد میدان بود

او ابر مردی، از ابر مردان ایران

گرچه پیر، اما،

شیر پیش شوکتش بر خویش می لرزید

دیده تاریخ

وین شگفتی را به پیش چشم خود می دید

پیش عزم آهنین مردی

امپراطوری زهم پاشید.

آن نخستین مرد پرچمدار آزادی

- یعنی آن سردار آزادی

چه نکو می داد سرمشق رهائی از اسارت را

آنچنان که نهرو و نگرومه و ناصر

چه ستایشها از او کردند

و به نیکی نام او را یاد آوردند

طالقاتی آن مهین آزاده مرد، آن راد،

رهرو او بود و بر پاکی ایمانش شهادت داد

نیز تاریخ جهان پیوسته بر او راق دیوانش شهادت داد

در تمام عمر خود آن کس که با مردم،

همیشه صاف و صادق بود

مصدق بود

۱۳۵۹/۱۲/۱۲

تکنه ها

جبران مافات؟؟!

بعد از واقعه کوچصفهان و اینکه استاندار گیلان و دیگر دست اندر کاران شرط مهمان نوازی را بجا نیاوردند، اینک برای «جبران مافات»، در شرایطی که همه استاندارها عذر مهمانان نوروزی را خواسته اند، استاندار گیلان، اعلام کرده است که این استان با آغوش باز پذیرای مسافران نوروزی خواهد بود!!

بر مسافران نوروزی که دعوت استاندار گیلان را لبیک میگویند فرض است که شرط احتیاط را مرعی دارند و کاری نکنند که بهانه های بدست مهمانداران خود ندهند!!

عذر بدتر از گناه!!!

هفته پیش روزنامه کیهان از رئیس سازمان تربیت بدنی انتقاد کرده بود و از دست اندر کاران توضیح خواسته بود که چرا خبرنگار و عکاس کیهان ورزشی را به ورزشگاه تختی راه ندادند. پاسخ خیلی جالب است. سرپرست سازمان ورزش میگوید:

«جلوگیری از ورود عکاس کیهان و ورزشی به ورزشگاه تختی یک سوء تفاهم و اشتباه مامورین انتظامات ورزشگاه بوده است.» و اضافه میکند که: «بخشنامه ای که ما صادر کرده ایم مربوط به جلوگیری از ورود خبرنگاران و فیلمبرداران رادیو تلویزیون و برنامه ورزش و سرمد بوده و...»!!

خوب حالا دیگر جای گله و انتقاد برای کیهان ورزشی میماند؟ بی شک نه؟؟!!

کشف ماده جدید سوختی؟؟

بتازگی وزارت نفت موفق به تهیه یک ماده سوختی جدید شده است که کمی هم حالت انفجاری دارد و برای به آتش کشیدن خانه ها و شعبه های فروش نفت و انفجار بخاری ها و آبگرمکن ها مورد استفاده قرار میگیرد!! این ماده جدید که تاکنون چند بار با موفقیت آزمایش شده است!! از ترکیب نفت و بنزین بدست میآید و نام علمی آن «نفت آوده» میباشد!!

سقوط بهمن در اسفند!!!

همه میدانند که «بهمن» از روی قرار وقاعده و به مناسبت نام خودش هم که شده باید در ماه بهمن سقوط کند و سقوط آن در ماه اسفند یک بدشانسی است!!

و همه میدانند که دولت از روی همین قرار وقاعده «فقط در بهمن ماه» همه امکانات خود را برای نجات جان کسانی که دچار بهمن زدگی میشوند بسیج کرده بود!! اما این بهمن حالا یا سرخود یا بدستور ضد انقلاب یا از روی بدشانسی دولت!! در اسفند ماه سقوط کرد و کلی تلفات جانی و مالی و اینهمه بی آبرویی ببار آورد و باعث شد که به دولت تهمت بی کفایتی زده شود و در نهایت از این طریق هم تضعیف گردد!! بهر حال پیشنهاد میشود که دولت سال آینده حواسش را بیشتر جمع کند و احتمال سقوط بهمن را در «اسفندماه» هم بدهد!!

چنین کنند بزرگان؟؟!

همیشه شیوهی کار بر این بوده است، وقتی یکی از بزرگان از روی عجله یا بی اطلاعی!! حرفی میزند و یا حکمی صادر میکرده که از اعتبار چندانی برخوردار نبوده است، خود آن شخص بی اعتباری آن را اعلام نمیکرد بلکه یکی از پائین تری ها را او امید داشته است تا بنحوی قضیه را ماست مالی کند و سرورته آن را بهم میآورد.

عین همین قضیه است اطلاعیه وزارت کشور که با عصبانیت و قاطعیت تمام، «هرگونه راهپیمائی و تظاهرات و اجتماعات» را غیر قانونی اعلام میکند و بعد که گند قضیه در میآید، مسئول روابط عمومی وزارت کشور وارد گود میشود و میگوید:

«این اطلاعیه در واقع همان قوانین قبلی وزارت کشور در رابطه با فعالیت احزاب است که «بدون کسب مجوز از این وزارتخانه»، راهپیمائی ها و تظاهرات را غیر قانونی اعلام میکرد.... و این اطلاعیه در واقع تأکیدی بر قوانین قبلی است.»

جای شکرش باقی است که هنوز «این شیوهی مرضیه مورد توجه بزرگان هست و گرنه.....»!!

انتقاد بیجا؟؟!

شرکت واحد از کسانی که هنگام سوار شدن به اتوبوس بلیت نمیدهند انتقاد کرده و گفته است:

«برهمه شهروندان تهرانی واجب است که از حیف و میل بیتالمال جلوگیری کرده و...» باید گفت که این حیف و میل بیتالمال نیست و یک نوع صرفه جوئی است!!

بقیه در صفحه هفتم

درود بر روان تابناک همه شهیدان نبرد میهنی